

شیرازه

دگرگونی‌ها و بیوستگی‌های مصر

از تمدنی کهن تا استعمار مدرن

دگرگونی‌های مصر در طول تاریخ، از دوران باستان تا دوران معاصر.

شِرق؛ نجیب محفوظ در «سه‌گانه قاهره» که از شاهکارهای ادبیات جهانی به شمار می‌رود، به میانیجی روایت زندگی خانواده احمد عبدالجواد و اطرافیان و بستگان و دامادهایش، تصویری عمیق و با جزئیات از زندگی در قاهره در سال‌های ۱۹۱۷تا ۱۹۴۴ به دست داده است. در آغاز رمان، مصر هنوز به‌طور رسمی بخشی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شود. اما از ۱۸۸۳ به اشغال انگلیس درمی‌آید و در ۱۹۱۴ نیز به کشور تحت‌الحمایه انگلیس تبدیل می‌شود. در روایت محفوظ آشکارا احساسات شدید ضدانگلیسی که در میان مردم مصر جریان دارد، دیده می‌شود. در رمان محفوظ می‌بینیم که سیاست چگون‌ه به تدریج به درون خانواده هجوم می‌آورد و تأثیر خود را بر آدم‌های سه نسل از خانواده به جا می‌گذارد. در سه رمان محفوظ تغییراتی شگرف در طول زمان پیش می‌آید و رن دید تغییرات بر آدم‌های داستان به‌روشنی قابل مشاهده است. مسائلی همچون تغییر وضعیت زنان و روابط میان پدران و فرزندان و تغییر طرز فکر و سلیقه مردم در سه‌گانه محفوظ به تدریج دیده می‌شود. مصر تاریخی پرفرازونشیب دارد و به‌عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری شناخته می‌شود.

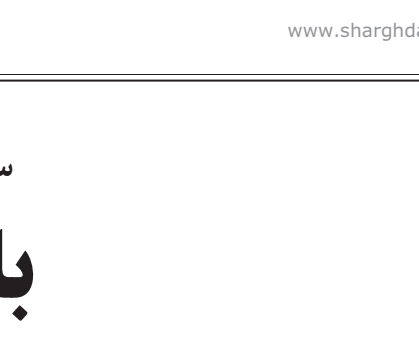
بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که بیوستگی و حتی دگرگونی‌ناپذیری، ویژگی مهمی در تاریخ مصر بوده است. می‌گویند آب‌هوا، جغرافیا و رفتارهای یکسان رود نیل که همیشه تابستان‌ها طغیان می‌کند، گونه‌ای همسانی پدید می‌آورد که انسان هوشمند نمی‌تواند تغییر بدهد. از نظر جغرافیایی، مصر در میان دو بیابان در شرق و غربش قرار دارد. شمالش دریای مدیترانه است و جنوبش تندآب‌هایی نیل که به کانارکت مشهورند. پس اهالی آن در باریکه‌زمین حاصل‌خیزی زندگی می‌کنند که نیل برایشان فراهم آورده است. این وابستگی را بانوغ‌ترین دانشمندان نیز نتوانسته‌اند ذره‌ای تغییر دهند. با این حال، رابرت تیگنور که شناخت جامعی از جامعه و تاریخ مصر دارد، می‌گوید دگرگونی همواره در تاریخ بلند مصر از مشخصات اصلی آن بوده است. مرز میان دوره‌ها را به‌روشنی می‌توان دید. فرهنگ مصر باستان که نزدیک سه هزار سال بر جای ماند، سرانجام جای خود را به فتوحات یونانیان و رومیان داد. زبان باستانی مصریان منسوخ شد و آثار باستانی بسیاری را زیر شن مدفون شدند یا ویران شدند، تا به حدی که مصالح آنها را می‌توانستند در بناهای دیگری به کار ببرند. آنگاه جای فرهنگ چندخدایی یونانیان و رومیان را مسیحیت گرفت و سپس اسلام، که دین جهانگیر تازه‌ای بود و زبان تازه‌ای با خود آورد. تیگنور می‌گوید اسلام نیز در مصر یک امر واحد نبود؛ چراکه به صورت بیوسته فاتحان مسلمان تازه‌ای از راه می‌رسیدند و جای پیشینیان را می‌گرفتند: «فاطمیان که خاندان شیعه تایناکسی بودند جای خود را به ابویبان دادند. سپس مملوکان/ مالیک بر سر کار آمدند و سرانجام عثمانیان. در پی اینان چند بیگانه بر مصر حاکم شدند: نخست فرانسویان، سپس چرکس‌های ترک‌زبانی که دوره کوتاه خیره‌کننده‌ای در مصر فرمان رانندند و پس از ایشان بریتانیایی‌ها، اگرچه رهبران کنونی مصر را معاصرانشان با فرعون‌ها و مملوکان مقایسه می‌کنند، مردانی که از دهه ۱۹۵۰ به بعد بر مصر حکومت کرده‌اند به اصالت مصری خود می‌بالند و خود را نخستین حاکمان بومی راستین پس از فرعون‌ها می‌خوانند.» رابرت تیگنور در کتاب «تاریخ فشرده مصر» روایتی اجمالی اما همه‌جانبه از سرگذشت این کشور از آغاز سکونت انسان در دره رود نیل، در پنج هزار سال پیش، تا امروز به دست داده است. تیگنور به‌عنوان تاریخ‌نگاری که در طول پنجاه سال بارها در مصر زندگی کرده، همه حوزه‌های مهم تاریخ باستان و نوین و کنونی مصر را در این اثر گزیده است. این تاریخ فشرده از دوران باشکوه فراغنه آغاز می‌شود و گزارش پرمیاهای از دوران‌های پرفرازونشیب بعد به دست می‌دهد: از استیلای یونانیان و رومیان بر مصر تا نفوذ مسیحیت، غلبه اعراب مسلمان، الحاق مصر به امپراتوری‌های اسلامی، یورش ناپلئون در ۱۷۹۸. حاکمیت استعمار بریتانیا و مصر سالاستعماری جدید در دوره‌های ریاست‌جمهوری ناصر و سادات و مبارک. نویسنده در پیشگفتار افزوده‌ای به نام‌آر‌ام‌های مصر در دوران اخیر هم می‌پردازد و نگاهی گذرا به روزهای پس از مبارک نیز می‌افکند.

تیگنور می‌گوید دگرگونی و بیوستگی دو نشان برجسته تاریخ بلند مصر هستند و همچنین دو مضمون اصلی در تاریخ مصر به شمار می‌روند. او می‌گوید کمتر تصویری را می‌توان یافت که به اندازه مصر درباره گذشته‌اش نوشته باشند، اما با این حال کمتر کتابی مروری کلی بر تاریخش دارد. ازاین‌رو نیاز به چنین کتابی ضروری است و این ضرورت سبب شده رابرت تیگنور به سراغ نوشتن کتاب «تاریخ فشرده مصر» برود: «گردشگران به یک راهنمای عمومی درباره تاریخ سرشار مصر نیازمندند، راهنمایی که روایت قابل فهمی از بستر تاریخی آثار باستانی پرشمار کشور برایشان فراهم آورد. پژوهشگران و کارشناسان به اثری نیاز دارند که بتواند تاریخ دوره‌هایی را که در تخصص ایشان نیست فشرده بیان کنند. افسوس که یافت نمی‌شود. دفترچه راهنما تا بخواهید هست، ولی تنها به دوره‌های خاص یا نواحی خاص می‌پردازند و کمتر به تاریخ می‌پردازند.»

رود نیل از مهم‌ترین نمادهای مصر است، اما این رود فراتر از نقش نمادینش نقشی پررنگ در تاریخ مصر دارد؛ هزاران سال روال زندگی روزمره به گرد نیل می‌چرخید و همچنان می‌چرخد، گرچه در دهه‌های اخیر طغیان سالانه نیل دیگر رخ نداده است. تیگنور با اشاره به اهمیت نیل می‌بردس آیا وجود نیل و باریکه‌زمین حاصل‌خیز بیامونش وحدتی به تاریخ مصر می‌بخشد که بر دوره‌های تاریخی بسیاری غلبه می‌کند؟ مصر به دلیل اهمیت جغرافیایی و اهریودی انکارناپذیرش در سه کنج قاره‌های اروپا و آسیا و آفریقا بیگانگان زیادی را اغلب در نقش مهاجم به خود جذب کرده است؛ هیگسوس‌ها، یونانیان، رومیان، عرب‌ها، مملوکان، عثمانیان، فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها بر مصر فرمان رانده‌اند و زبان‌ها و جمعیت‌ها و رسم‌های خود را هم وارد کرده‌اند. اما تحمیل این فرهنگ‌های بیگانه بر مردمانی که در کرانه‌های نیل زندگی می‌کردند به چه میزان ممکن شده است؟ تیگنور می‌گوید شکی نیست که دگرگونی‌های بسیاری در این تاریخ نامحرم رخ داده است، اما به مثال اندازه که دگرگونی روشن است، بیوستگی نیز قابل ردیابی است. برای مثال معمارای یادمانی عصر فراغنه را هنوز می‌توان در یادمان‌های ساخته‌شده برای رهبران امروزی معاصر نیز دید. همچنین بسیاری از باورها و آیین‌های دینی مصر باستان، پس از آنکه دگرگونی‌های بزرگی را از سر گذراندند، وارد مسیحیت و اسلام شدند. «تاریخ فشرده مصر» به اجمال همه این بیوستگی‌ها و دگرگونی‌ها را در کنار هم به تصویر کشیده است.



تاریخ فشرده مصر رابرت لی. تیگنور ترجمه حسن افشار نشر مرکز



بیام حیدرقزوینی

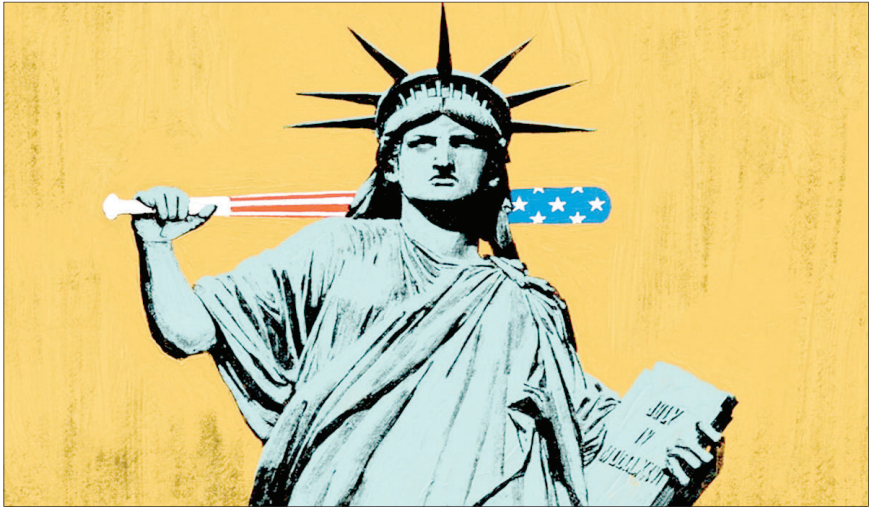
رزا لوکزامبورگ در ۱۹۱۶ دوراهی مشهور انگلس را باظرح کرد که جهان سرمایه‌داری یا به سمت سوسیالیسم می‌رود یا بر بربریت بازمی‌گردد. او سپس این پرسش را مطرح کرد که بازگشت به عصر بربریت در مرحله کنونی تمدن غربی حامل چه معنایی است. بربریت در قرن بیست‌ویکم چهره‌های متفاوت‌تر از دهه‌های ابتدایی قرن بیستم پیدا کرده و می‌توان آن را در سیمای رئیس‌جمهوری کشوری دید که خود را با دزدان دریایی قیاس می‌کند یا می‌توان آن را در دولتی تروریستی جست‌وجو کرد که با نسل‌کشی و جنایت جنکی پیوند خورده است.

امروز خشونت و تروریسم را بیش از آنکه در گروه‌های افراطی جست‌وجو کنیم، باید در میان دولت‌های جهان متمدن بیابیم که بی‌محابا به کشتار و جنایت دست می‌زنند بی‌آنکه تحت تعقیب قرار بگیرند. چشم‌پوشیدن قدرت‌های جهانی بر جنایات غزه و فراتر از آن، همدستی با دولت فاشیستی اسرائیل بیش از هر چیز سیمای بربریت در قرن بیست‌ویکم را نشان می‌دهد. اسرائیل دولتی تروریستی است که به حال خود رها شده که حیرچه می‌خواهد بکند و در سوی دیگر دولت آمریکا در اختیار گروهی است که حتی نیازی به حفظ ظاهر نیز احساس نمی‌کنند و بی‌محابا تمام قواعد جهانی را زیر پا می‌گذارند. پس از تجاوز به ایران، دولت آمریکا بی‌شرمانه تهدید می‌کند که به زودی نوبت به کوبا خواهد رسید. محاصره غیرقانونی کوبا خشونتی آشکار است که هدفش نابودی یک ملت است. در جهان سرمایه‌داری کنونی خشونت و تروریسم به امری متداول و عادی بدل شده و تمام آن حساسیت‌هایی که در طول قرن بیستم به وجود آمده بود به طور کامل رنگ باخته است.

لئو پانچ و کالین لیز در پیشگفتار کتاب «بربریت واقعا موجود» که با ترجمه زنده‌یاد فریزر رئیس‌دانا به فارسی منتشر شده، می‌گویند امروز نگاهی به پیرامون‌مان نشان می‌دهد که بازگشت به بربریت به صورت بورژوازی به چه معناست. آنها می‌گویند حتی در نبود جنگ جهانی و چند دهه پس از پایان سوسیالیسم واقعا موجود و پایان جنگ سرد ما در عصر دیگری از بربریت به سر می‌بریم. این پرسش امروز بیش از گذشته مطرح است که آیا پس از فجایع جنگ جهانی و نسل‌کشی و تاسیس سازمان ملل جهان کم‌خشونت‌تر از پیش به نظر می‌رسد؟ پانچ و کالین لیز رساله مشهور ژرژ سورل با عنوان «تاملاتی درباره خشونت» را یادآوری می‌کنند و جمله‌ای از ناشر آمریکایی این کتاب را نقل می‌کنند که در ۱۹۵۰ گفته بود: «در حالی که تمام اروپا ساده‌لوحانه تصور می‌کرد این مسائل به دوره‌های تاریک گذشته تعلق دارند، سورل به درستی عصر تازه‌ای از این فجایع را پیش‌بینی می‌کرد.» فهرست کشتارها و فجایع انسانی از زمان اعلامیه جهانی حقوق بشر تا امروز تکان‌دهنده است و هر لحظه مورد تازه‌ای به آن اضافه می‌شود: از کره و ویتنام تا فلسطین و لبنان، از

سیمای تروریسم و خشونت در قرن بیست‌ویک

بازگشت به بربریت



مارکس بی‌آنکه هیچ توهمی درباره صورت‌بندی‌های اجتماعی پیش از سرمایه‌داری داشته باشد، معتقد بود که «سرمایه در این جهان قطره قطره از سر به پا فرومی‌چکد، از هر روزنه‌ای، در خون و کثافت». از انباشت اولیه سرمایه تا توسعه استعماری و جنگ‌های کنونی، خشونت همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از سرمایه‌داری بوده است. در مورد کشورهایی به اصطلاح جنوب جهانی که عمدتا درگیر فقر هستند، مسئله در اختیار گرفتن منابع حیاتی است. مداخله‌های آمریکا و قدرت‌های جهانی در این کشورها با بهانه‌هایی چون برقراری صلحی لیبرال، بازار آزاد و دموکراسی صورت می‌گیرد و این در واقع همان جایی است که آمریکا و متحدانش برای اعمال خشونت «عبرت‌آموز و پیشگیرانه» وارد عمل می‌شوند. نمونه

عراق تنها یکی از ده‌ها نمونه است: «کشتار و تارومار کردن ارتش عراق که در سال ۱۹۹۱ در حال عقب‌نشینی از کویت بود، درواقع به نام تهاجم پیشگیرانه در برابر رژیم صدام، که گویا دارای سلاح‌های کشتارجمعی‌ای بوده که هرگز در اختیار نداشته است، توجیه خود را می‌یافت. خشونت عبرت‌آموز و خشونت پیشگیرانه، هر دو، ممکن است به طور مستقیم به کار گرفته شوند، چنان‌که در موارد ذکرشده اتفاق افتاد، یا ممکن است جنبه مجاز داشته باشند و از سوی کشورهای سروکوبرگ و دوست، برای مثال آپارتاید در افریقای جنوبی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، به نام ستیز علیه کمونیسم، اعمال شوند. ایالات متحده برای براندازی حکومت‌هایی که آنها را تهدید می‌خواند –در گواتمالا و ایران در دهه ۱۹۵۰– اندونزی در دهه ۱۹۶۰، شیلی در دهه ۱۹۷۰، نیکاراگوئه و گرانادا در دهه ۱۹۸۰ و در سال‌های بعد در کوزوو، افغانستان و عراق– وسیله‌ساز اصلی بود و در جایی هم که نقش اصلی را بر عهده نداشته در خشونت‌هایی که متوجه تغییر رژیم‌ها بوده مشارکت کرده است.»

خشونت در دوران معاصر مسئله سرراستی نیست و با پیچیدگی‌های زیادی پوشیده شده از جمله اینکه خشونت از سوبی محکوم می‌شود اما از سوی دیگر، چشم‌پوشی‌شده و حمایت‌شده پابرجا باقی می‌ماند. خشونت در این جهان شکلی رسمی به خود گرفته که مقاله بالا به آن نه از طریق نهادها و قواعد حقوق‌بشری بلکه با تغییر مناسبات اجتماعی جهان سرمایه‌داری ممکن خواهد بود.

به مناسبت تجدید چاپ نمایشنامه «سوء‌قصدهایی به زندگی آن زن»

خشونت و جهان تکه‌تکه شده

شود. زن، به‌جای گفتن اسم و مشخصاتش، فریاد می‌زند و فحش می‌دهد و هذیان‌گونه درباره ویرانی حاصل از جنگ صحبت می‌کند.

صداهایی که از ایزودهای مختلف «سوء‌قصدهایی» شنیده می‌شود، صداهایی نامعلوم و مبهم و بی‌نام است، نه جنسیت صاحبان صداها معلوم است نه سن‌وسال و ظاهرشان و نه حتی معلوم است که این صداها متعلق به چند نفرند. صداهایی در متن نمایش وجود دارد که شاید حتی خودشان هم امدیدی به شنیده‌شدن نداشته باشند اما با این حال در فضایی نامعلوم پخش شده‌اند با این احتمال که شاید شنیده شوند، پخش شدن در ۱۷ ایزودی که می‌تواند تا بی‌نهایت هم ادامه یابد. صداهایی که پیش نمی‌روند، گامی به پس دارند و گامی به پیش و تنها در وضعیت‌های مختلف پخش می‌شوند، وضعیت‌هایی در تناقض با وضعیت قبلی؛ وضعیتی یادآور پایان «نام‌ناپذیر» بکت: «باید ادامه بدهی، نمی‌توانم ادامه بدهم، ادامه خواهم داد».

«سوء‌قصدهایی به زندگی آن زن»، ۱۷ تصویر از له‌شدگی انسان مدرن و تکه‌پاره‌شدن زندگی در زیر چرخ نظام



یادکرد

در سالمرگ شیوا ارسطویی تاریخ خوف

شِرق؛ یک سالی گذشت از روزی که شیوا ارسطویی، نویسنده و شاعر معاصر، متولد اردیبهشت ۱۳۴۰ در تهران در ماه تولدش به مرگی خودخواسته از دنیا رفت. ارسطویی از نویسندگانی بود که بسیاری از آثارش فرصت انتشار پیدا نکردند، اما در همان داستان‌هایی که به هر ترتیبی از او منتشر شدند، روایت‌هایی از عشق، ترس، سیاست، شکست‌ها و خاطراتی نوشت که به حافظه جمعی پیوند می‌خورند. او در رمان «خوف»، «ملموس‌ترین ترس‌ها» را به تصویر درآورد؛ ترس‌هایی که در زندگی مدرن به وجود آمده و وادارمان می‌کند «از ذهنیت ترس به طرف عینیت ترس فراروی کنیم». شیوا ارسطویی کار ادبی خود را از اواخر دهه شصت با حضور در کارگاه‌های شعر و داستان آغاز کرد و با نوشتن داستان «او را که دیدم زیبا شدم» در سال ۱۳۷۱ به یکی از نویسندگان شاخص ادبیات ما بدل شد. این رمان برگرفته از تجربیات او در جنگ بود که به‌عنوان امدادگر داوطلب از طرف هلال‌احمر به مناطق جنگی اعزام شد و مدتی را در پشت جبهه جنگ ایران و عراق گذراند. یک سال بعد، ارسطویی مجموعه شعر «گم» را منتشر کرد که نمونه درخوری از «شعر زبان» است و از نمونه شعرهایی است که در آن می‌توان تأثیر کارگاه‌های رضا برهانی و فرم و نظریه‌های شعرزبان را دید و به این تأیید به‌عنوان شاعر نیز شناخته شد. «آمده بودم با دخترم برای خوردن» و «افتاب و مهتاب» مجموعه داستان‌های تحسین‌شده ارسطویی هستند و ازجمله رمان‌های او می‌توان به «او را که دیدم زیبا شدم»، «بی‌بی شهرزاد»، «آسمان خالی نیست»، «افیون»، «خوف»، «نی‌تا» و «ولی دیوانه‌وار…» اشاره کرد.



در بوداپست» نیز از سال ۱۳۸۰ در اداره ممیزی ارشاد مانده و نتوانست مجوز انتشار بگیرد و تنها در قالب کتاب صوتی درآمد و با صدای خود نویسنده منتشر شد. داستان «بوسه‌ای در بوداپست» که در دو فضای پیش و پس از انقلاب می‌گذرد، درواقع مانند بیشتر روایت‌های ارسطویی، داستانی عاشقانه‌ای است که در بستری سیاسی روی می‌دهد. شیوا ارسطویی در رمان‌هایش زندگی زنانی را روایت می‌کند که به دلایل تاریخی به ترس خسو کرده‌اند و حتی ترس‌هایشان نیز از زبان و نگاه مردانه روایت می‌شود؛ نمونه تمام‌عیار و عینی این تلقی از تاریخ رنج زنان، رمان «خوف» است که سازوکار این روند را به‌خوبی ترسیم می‌کند. با اینکه تأکید رمان «خوف» بیش از همه بر مقوله ترس است، بحث دیگری‌شدن و زوال نفس نیز در آن سبویه بزرنگی دارد. هر بخش رمان با عنوان «قول» نامگذاری شده که ازقضا یک تمهید روایی است. شخصیت‌های رمان –شیدا، کاوه، ژینوس و نغمه– گویی راویان این رمان‌اند، اما «قول» معنایی بیش از آن دارد و چون به نقل‌قول اشاره دارد، ممکن است همه حقیقت در آن نباشد. در جایی از رمان، شیدا خطاب به ژینوس می‌گوید: «گفتم روی من حساب نکند، یک زن تکراری دیگر با یک قصه تکراری دیگر که خیال می‌کرد ماجرای منحصربه‌فردش با یک مرد تکراری دیگر، باید در تاریخ ثبت شود. همه چیزش تکراری بود. از ترس‌های من تکراری‌تر.»